



روابط ایران و چین در دولت یازدهم

معصومه علیانپور

دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد سلامی واحد تهران جنوب

چکیده

تحول روابط چین در سطح نظام بین الملل، فرایند پیچیده ای بوده است. از زمان شکل گیری جمهوری خلق چین، رهبران این کشور در روابط خود با کشورهای مختلف در سطح نظام بین الملل بازنگری کردند. چین در روند تحول تاریخی روابط خود با نظام بین الملل، نقش خود را از یک دولت انقلابی و بیگانه، به یک کشور مشارکت کننده فعال و سرانجام، سازنده، تغییر داده است. این نوآوری، حکومت چین را قادر نمود تا تلاش های دیپلماتیک را به مسیری جدید، با هدف ظهور چین به عنوان یک قدرت بزرگ و هماهنگ با نظام بین الملل، هدایت نماید؛ بنابراین، در جستجوی مناطق بیشتری برای گسترش حیطه و دامنه نفوذ خود در جهان بوده و با تمام دولت ها، صرفنظر از نوع نظام سیاسی شان، ارتباط برقرار می کند. یکی از مناطق مهم برای چین، خاورمیانه و خلیج فارس می باشد که در این بین، ایران برای این کشور از جایگاه ویژه ای برخوردار می باشد. روابط ایران و چین، محوری اصلی تغییراتی می باشد که در حال حاضر در حال انجام است. همکاری میان این دو کشور، جدید نمی باشد و از زمان جنگ ایران و عراق (۱۹۸۰-۱۹۸۸) تاکنون، همواره در حال گسترش بوده است. روش پژوهش در این مقاله توصیفی - تحلیلی بوده و تلاش می گردد در این پژوهش روابط ایران و چین در دولت یازدهم بررسی گردد

واژگان کلیدی: ایران، چین، سیاست خارجی

مقدمه

تحول روابط چین در سطح نظام بین الملل، فرایند پیچیده ای بوده است. از زمان شکل گیری جمهوری خلق چین، رهبران این کشور در روابط خود با کشورهای مختلف در سطح نظام بین الملل بازنگری کردند. چین در روند تحول تاریخی روابط خود با نظام بین الملل، نقش خود را از یک دولت انقلابی و بیگانه، به یک کشور مشارکت کننده فعال و سرانجام، سازنده، تغییر داده است. این نوآوری، حکومت چین را قادر نمود تا تلاش های دیپلماتیک را به مسیری جدید، با هدف ظهور چین به عنوان یک قدرت بزرگ و هماهنگ با نظام بین الملل، هدایت نماید؛ بنابراین، در جستجوی مناطق بیشتری برای گسترش حیطه و دامنه نفوذ خود در جهان بوده و با تمام دولت ها، صرفنظر از نوع نظام سیاسی شان، ارتباط برقرار می کند. یکی از مناطق مهم برای چین، خاورمیانه و خلیج فارس می باشد که در این بین، ایران برای این کشور از جایگاه ویژه ای برخوردار می باشد. خاورمیانه، یکی از پویاترین مناطق جهان می باشد؛ چون، دستخوش تغییرات اقتصادی، ژئوپلیتیکی، و امنیتی است که نه تنها بر کشورهای خلیج فارس، بلکه بر قدرت های جهانی ای که برای نفوذ در آن با یکدیگر رقابت می کنند، تاثیر می گذارد. روابط ایران و چین، محوری اصلی تغییراتی می باشد که در حال حاضر در حال انجام است. همکاری میان این دو کشور، جدید نمی باشد و از زمان جنگ ایران و عراق (۱۹۸۸-۱۹۸۰) تاکنون، همواره در حال گسترش بوده است. دوستی عمل گرایانه آنان در طول این جنگ، ریشه دوانید و پایه های مشارکتی را ایجاد نمود که امروزه موقعیت اقتصادی و منطقه ای ایران را تقویت می کند و به چین جایگاهی راهبردی در خاورمیانه می دهد. این شرایط در چارچوب گسترده تر چال چین با هژمونی ایالات متحده، اهمیت بیشتری می یابد. روابط ایران و چین از جنبه های بسیاری، اهمیت دارد و روایت های تاریخی، باعث نزدیکی دو دولت به یکدیگر شده است. احساس تحقیر ملی به دست بیگانگان، گرایش های ضداستعماری، و همچنین، بیزاری از نظام امپراتوری، از جمله ویژگی های مشترک دو کشور می باشند. حلقه پیوند این احساسات، مخالفت با یکجانبه گرایی و هژمونی آمریکا در نظام بین المللی باشد. در طول ۳۰ سال گذشته، چین و ایران، برپایه نوعی مشارکت فعال اما محدود، در طیف متنوعی از منافع سیاسی، امنیتی، و اقتصادی با یکدیگر همکاری می کنند. در سال ۲۰۱۲، درحالیکه ائتلاف گسترده ای از کشورهای جهان در پی توقف پیشرفت هسته ای ایران بودند، چین با درجه متفاوتی از الزامات اقتصادی و نظامی، به یاری ایران شتافت. روش پژوهش در این مقاله توصیفی - تحلیلی بوده و تلاش می گردد در این پژوهش روابط ایران و چین در دولت یازدهم بررسی گردد.

پیشینه پژوهش

قاسم تقوایی پور و حمید سرادار (۱۳۹۰) در مقاله "بررسی موانع گسترش روابط ایران و چین؛ با تاکید بر سطح تحلیلی داخلی" جمهوری اسلامی ایران در مجموع مایل به افزایش سطح روابط با چین و ارتقای این روابط به سطوح بالاتری از روابط استراتژیک است. با این حال عوامل متعددی در سطوح مختلف مانع حرکت به این سمت است. شکل گیری گرایش به غرب در فرهنگ سیاسی عامه مردم و به خصوص نزد نخبگان سیاسی - اجرایی داخلی در چند قرن اخیر یکی از مهم ترین موانع گسترش روابط با شرق تلقی می شود. محسن شریعتی نیا (۱۳۹۱) در مقاله "عوامل تعیین کننده روابط ایران و چین" معتقد است که برخی همپوشانی ها در سیاست خارجی دو کشور، مبادلات اقتصادی و نظامی و همکاری در حوزه انرژی، عوامل توسعه بخش روابط دو کشورند. از دیگر سو انتخاب استراتژیک چین و روابط همکاری جویانه این کشور با قدرت های غربی، عوامل محدودکننده این روابط به شمار می آیند. سید جواد امام جمعه زاده و سمیرا نساجی (۱۳۹۲) در مقاله "سیاست خارجی نسل پنج رهبری جمهوری خلق چین نسبت به جمهوری اسلامی ایران" معتقدند که جمهوری خلق چین یک قدرت جهانی رو به رشد و جمهوری اسلامی ایران یکی از قدرتمندترین کشورهای حوزه خلیج فارس است. درخواست فزاینده جهانی برای نفت و نقش ایران و خلیج فارس در تعیین و عرضه نفت اهمیت بیشتری به این روابط داده است. سیاست خارجی نسل پنج جمهوری چین نسبت به جمهوری اسلامی ایران تحت تاثیر ویژگی های شخصیتی رهبران و منفعت ملی این کشور مطرح می شود. فریبرز ارغوانی پیر سالمی (۱۳۹۴) در مقاله "روابط ایران و چین در دوره احمدی نژاد: سیاست نگاه به شرق و تاثیرات ساختاری" در چارچوب توجه سیاست خارجی دولت احمدی نژاد به گسترش روابط با کشورهای آسیایی در راستای سیاست نگاه به شرق، روابط با جمهوری خلق چین جایگاه ویژه ای پیدا کرد؛ اما برخلاف انتظار ایران، این روابط هیچ گاه به همکاری های فراگیر منجر نشد.



حامد روشن چشم، محسن دیانت و عادل خانی (۱۳۹۶) در مقاله "تبیین جایگاه فرهنگ در روابط ایران و چین" چین و ایران هر دو کشوری قدیمی و متمدن در آسیا بوده و در و تاریخ مناسبات بسیار نزدیکی با هم داشته اند و در مقطعی از تاریخ به عنوان دو امپراطوری همسایه بوده اند. یادآوری روند تاریخی روابط بین چین جدید و ایران از ارزش و اهمیت فراوانی برخوردار است که تأثیرات شگرفی بگر حوزه های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی دو کشور داشته است. رضا امیری اختیاری و محبوبه صالحی خنار (۱۳۹۶) در مقاله "بررسی علل و زمینه های گسترش روابط ایران و چین در عصر پسا برجام" بیان نمودند که مولفه هایی مانند وفاداری چین به ایران در شرایط سخت تحریم ها، تداوم بی اعتمادی ایران به غرب علیرغم احیای روابط، الزامات اقتصادی متقابل تهران-پکن، اهمیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک ایران برای چین، لزوم مقابله با افراط گرایی، تروریسم و بنیادگرایی و همچنین مخالفت با نظ موجود بین المللی و یکجانبه گرایی ایالات متحده موجب شده تا دو کشور ایران و چین ضمن حفظ سطح تعاملات و مناسبات سیاسی و اقتصادی فعلی خود، تلاش نمایند تا همکاری های دوجانبه را بیش از پیش گسترش دهند. مسعود رضایی و سعید وثوقی (۱۳۹۶) در مقاله "سنجش روابط دفاعی ایران و چین در دوره ریاست جمهوری حسن روحانی" بیان نمودند که فضای پسابرجام، صرفاً متضمن ایجاد نظمی جدید در روابط دو کشور است که با مجموعه ای از فرصتها و توافقات، تنها سلسله مشارکت های راهبردی دوجانبه را مستحکم تر کرده و قادر است به نظم جدید در روابط دو کشور دوام بخشد؛ و این الزماً به معنای اتحاد راهبردی نیست

رویکردها و تحولات سیاست خارجی ایران در دوره روحانی :

با شروع کار دولت یازدهم سیاست خارجی توسعه گرا یکی از اهداف دولت یازدهم قرار گرفت که اصول و الزامات این سیاست خارجی شامل بهبود چهره و تصویر، تحول هویتی و اجماع نخبگان، اعتماد سازی در عرصه بین المللی و همزیستی مسالمت آمیز می باشد (رضایی و ترابی، ۱۳۹۲). برای درک سیاست خارجی دولت یازدهم می توان به کتاب (امنیت ملی و دیپلماسی هسته ای) که توسط روحانی در سال ۱۳۹۲ به چاپ رسیده است، اشاره نمود. در بخش های مختلف کتاب در ارتباط با سیاست خارجی بیان می دارند : "راهبرد کلان سیاست خارجی، تفاهم و اجماع در سطح ملی و همکاری در روابط خارجی بر اساس اصول سه گانه عزت، حکمت و مصلحت و رویکرد تمام سازنده و موثر می باشد. این اصول همواره مورد تایید و تاکید مقام معظم رهبری بوده است. راهبرد مزبور در راستای دستیابی به اهداف چشم انداز برنامه بیست ساله کشور، تقویت امنیت ملی، رفع تهدیدات خارجی و خنثی سازی تبلیغات در خصوص ترویج ایران هراسی در جهان و به ویژه منطقه، ارتقای اعتبار و افزایش احترام و عزت ایران در سطح منطقه، جامعه بین المللی و جهان در حال گذار تعریف می شود. در این راستا، سیاست خارجی ساز و کاری برای تولید آثار مطلوب در سطوح ملی، منطقه ای و بین المللی می باشد. از جمله آثار مطلوب، کاهش تنش و خصومت ها، ساختن و تقویت ائتلاف ها و اتحادیه ها، اعتماد سازی، به حداکثر رسانی منافع مشترک و مدیریت مطلوب اختلافات طبیعی از راه کارهای شناخته شده است. دستگاه های دیپلماسی امروز دنیا جهت تحقق اهداف مذکور می باشند و یقیناً نهادهای سیاست خارجی حداکثر بهره برداری از این راهکارها به عمل خواهند آورد" (روحانی، ۱۳۹۲).

روابط سیاسی ایران و چین در دولت یازدهم :

روحانی به عنوان سکان دار دولت یازدهم در سال ۱۳۹۲ ه.ش در حالی کار خود را آغاز کرد که از دو حوزه ی اقتصاد و سیاست خارجی به عنوان مهمترین حوزه های چالشی و اساسی ترین اولویت دولت جدید یاد می شد. مهم ترین عنصری که در این دولت دستخوش تغییر و تحول یافت سیاست نگاه به شرقی بود که طی هشت سال گذشته دولت احمدی نژاد به عنوان اولویت سیاست خارجی ایران از آن یاد می شد. دولت یازدهم معتقد بود که تکیه بر شرق و کشورهایی مانند چین و روسیه، محوری ترین اشتباه محاسباتی دولت قبلی بوده چرا که قدرت های شرقی منافع راهبردی بلند مدت خود را فدای تقابل مستقیم با غرب نمی کنند (عزیزی، ۱۳۹۲). دولت یازدهم همچنین معتقد بود "راهبرد نگاه به شرق نباید تمامی ظرفیت دستگاه سیاست خارجی را به خود اختصاص دهد و موجب بازماندن از گسترش روابط با سایر حوزه ها گردد. زیرا اصولاً براساس یک تفکر واقع بینانه و راهبردی، سیاست های سلبی و خود محدود ساز در



روابط با شرق و یا غرب برای حفظ و تامین منافع ملی نمی تواند کارساز باشد" (عسگریان، ۱۳۹۲). بنابراین با توجه به دنیای وابستگی متقابل، تعامل با تمام بازیگران از ضروریات نظام بین المللی می باشد. همچنین، مفهوم اعتدال که کانون اصلی گفتمانی دولت یازدهم بود، تغییر در عرصه سیاست خارجی را امری اجتناب ناپذیر می نمود. برداشت معنایی این مفهوم پیگیری توازن و عدم افراط و تفریط، با هدف نهایی تامین حداکثری منافع ملی می باشد که تجلی آن در عرصه سیاست خارجی در قالب ایجاد موازنه در روابط با شرق و غرب و استفاده از این روابط متوازن در راستای منافع ملی است. بنابراین بازنگری در سیاست نگاه به شرق در دولت یازدهم، نه به معنای قطع روابط با شرق، بلکه به معنای "متوازن کردن" آن در روابط مقابل با دیگر حوزه ها بود (عزیزی، ۱۳۹۲). بنابراین این متوازن کردن و اعتدال در دولت یازدهم باعث گردید روابط با غرب بهبود بخشد و ایران توانست توافقنامه هسته ای برجام را با پنج عضو شورای امنیت سازمان ملل (ایالات متحده آمریکا، روسیه، چین، بریتانیا، فرانسه) و آلمان که به گروه ۵+۱ موسوم هستند در تاریخ ۱۴ ژوئیه ۲۰۱۵ م به امضا برساند

چین و برنامه هسته ای ایران در دولت یازدهم :

رفتارهای متفاوت سیاست خارجی چین در عرصه های بین المللی، رسیدن به یک الگوی واحد را مشکل ساز کرده است؛ اما خط مشی کلی حاکم بر این دولت را می توان در حیطه سیاست خارجی، در جهت گیری عدم وابستگی و استقلال عنوان نمود که هدف اصلی آن حراست از استقلال، حق حاکمیت و ایجاد یک محیط مطلوب بین المللی برای پیشبرد سیاست های توسعه اقتصادی اش بود. رفتار این کشور در مورد پرونده هسته ای ایران به عنوان یکی از موضوعات چالش انگیز برای این کشور محسوب می شود. با شروع دوره ریاست جمهوری حسن روحانی در سال ۱۳۹۲ ه.ش، دهمین سال مذاکرات هسته ای ایران با کشورهای غربی شروع گردید. رئیس جمهوری وی در شرایطی انجام شد که در طول این سال ها دستاورد مهمی در مذاکرات هسته ای حاصل نشده بود و تنها تغییر آن، تبدیل طرف مذاکره کننده با ایران از نمایندگان ۳ دولت آلمان، فرانسه و انگلیس به نمایندگان ۵ عضو دائم شورای امنیت به علاوه آلمان بود. مذاکرات ژنو ۴ در (۲۳ و ۲۴ مهرماه ۱۳۹۲) و مذاکرات ژنو ۵ (۱۶ و ۱۷ آبان ماه ۱۳۹۲) در سطح وزیران خارجه و مذاکرات ژنو ۶ از ۲۹ تا ۳ آذر ۱۳۹۲ در سطح معاونین وزیران خارجه برگزار گردید؛ همچنین دور مذاکرات ژنو میان ایران و قدرت های جهانی در تیرماه ۱۳۹۳ برگزار شد که به توافقی جامع دست نیافت و مذاکرات به مدت ۴ ماه دیگر با تأکید بر توافقات پیشین تمدید گردید. ادامه مذاکرات در عمان در اواخر سال ۱۳۹۲ ه.ش برگزار شد سپس مذاکرات وین با قدرت های جهانی ادامه یافت (رسولی ثانی آبادی و میر حسینی، ۱۳۹۴).

دکتر روحانی در خرداد ۱۳۹۳ برای تعمیق روابط خود با چین و حمایت چین در مذاکرات با قدرت های بزرگ به این کشور سفر نمود. وی در این سفر تأکید داشت: مبنای سیاست خارجی دولت جدید تعامل با جهان و در عین پایبندی به اصول جمهوری اسلامی ایران می باشد که برطبق تعامل، منطق و گفت و گو به دنبال تنش زدایی و اعتمادسازی با کشورهای جهان است. همچنین روحانی در این سفر و در مصاحبه با خبرنگار مجله امور اقتصادی چین بیان کرد: "دولت ایران اکنون به گونه ای عمل کرده که طرف مقابل هیچ بهانه ای نداشته باشد و اگر در توافق با غرب موفقیتی حاصل نشود، به دلیل لجبازی با غرب است" (روزنامه کیهان، ۱۳۹۳/۳/۳). پکن به بحران هسته ای ایران به عنوان یک مسئله سیاسی و امنیتی نگاه می کرد و سعی می نمود با به وجود آوردن یک اعتماد استراتژیک به جای شفافیت صرف میان ایران و غرب به روند حل و فصل این مناقشه کمک کند. آنان در طول مذاکرات بارها بیان نمودند که توقف دیپلماسی، تنها ما را با شکست روبه رو می سازد. آنان رویکرد گام به گام و حرکت متقابل را برای حل و فصل این پرونده مد نظر داشتند. شی جین پینگ معتقد به مذاکره ی مستقیم واشنگتن با ایران در چارچوب پیمان منع گسترش سلاح های اتمی بود (Scott, 2015). توافقی نهایی در تاریخ ۸ تا ۳۱ خرداد ۹۳ برابر با ۱۶ تا ۲۱ ژوئن ۲۱۱۴ در وین، ظریف از ایران و به نمایندگی از اتحادیه اروپا و معاونان وزیران خارجه قدرت اشتون های بزرگ برگزار گردید. پیوستن، معاون ارشد وزیر خارجه آمریکا و جیک سالیوان ویلیام برنز، مشاور امنیت ملی کاخ سفید به تیم مذاکره کننده طرفین وارد نگارش متن توافق نهایی نمود. چهارچوب توافق یا برنامه اقدام مشترک (جامع) را تعیین کردند. در مورد محتوا و مقدمه، اختلافاتی جزئی از جهت ماهوی میان طرفین بود، اما در نهایت، در لوزان ۲۰۱۵ از



جمله در مورد میزان و سطح اندازه غنی سازی، جدول زمان بندی لغو تحریم ها و مدت زمان اجرایی و جزئیات به توافق جامع طرفین دست یافتند. آنچه باعث موفقیت دولت یازدهم در مذاکرات هسته ای شد عبارتند از: اعتمادسازی متقابل، شفافیت سازی، تعامل سازنده و برطرف کردن نگرانی در زمره سیاست های دولت یازدهم، که حسن روحانی برای پاسخ دادن به آن، اقدام به تغییر افراد مذاکره کننده، نهاد مسئول مذاکره و تغییر سیاست از تقابلی به تعاملی است (عابدینی و ایزدی، ۱۳۹۶).

بنابراین توافق هسته ای یک قدم برجسته و یک فرصت تاریخی و بستری برای توسعه روابط دو کشور ایران و چین در سطوح مختلف شده است (رضائی، ۱۳۹۴). به بیان دیگر روابط تهران- پکن بعد از اجرایی شدن برجام، به سطح روابطی شبیه به "روابط راهبردی" نزدیک شد و این گونه بود که دو کشور روابط خود را در سه سطح کلان "سیاسی"، "اقتصادی"، "امنیتی- دفاعی" بیش از پیش گسترش دادند. بنابراین سفر شی جین پینگ و هیئت عالی رتبه همراه او به ایران بعد از اجرایی شدن برجام در سال ۱۳۹۴ ه.ش، و تدوین یک سند راهبردی ۲۵ ساله بین دو کشور شد. (نیک بخش، ۱۳۹۷/۱۱/۱۷) با برداشته شدن تحریم های علیه ایران بعد از توافق هسته ای، چین ایران را بازاری بزرگ در خاورمیانه می داند. بنابراین همکاری در حیطه انرژی صلح آمیز هسته ای همچنان یکی از بخش های مهم روابط فیما بین می باشد. در ژانویه سال ۲۰۱۶ م، علی اکبر صالحی، رئیس "سازمان انرژی اتمی ایران"، بیان نمود که تهران در نظر دارد برای سازماندهی دوباره تأسیسات هسته ای اراک از چین کمک بگیرد. برای دوری از هر گونه احتمال تولید و توسعه جنگ افزارهای هسته ای، قرار است ایران با کمک چین، تولید پلوتونیوم را در رآکتورهای خود کاهش دهد. بنابراین وی تأکید کرد که ایران روی باز طراحی رآکتورها کار می کند. پس هر گونه تغییری در نقشه ها باید از طرف چین و آمریکا بررسی گردد (قوشال، ۲۰۱۶). برطبق "برنامه جامع اقدام مشترک" (برجام)، کشورهای ۵+۱ (یعنی انگلیس، چین، فرانسه، روسیه، آمریکا و آلمان) می توانند به ایران در توسعه برنامه هسته ای غیر نظامی خود برای اهداف صلح آمیز کمک نمایند. بعد از امضا توافق هسته ای، کشورهایی مانند روسیه و چین برای به دست آوردن فرصتی برای بخش های هسته ای غیر نظامی خود در بازار انرژی هسته ای ایران رقابت داشته اند. این همکاری (در کنار همکاری با کشورهای دیگری همچون ژاپن، کره جنوبی و اسپانیا) ایران را قادر می کرد برنامه هسته ای خود را که مدتی بود در نتیجه بحران هسته ای، متوقف شده، توسعه دهد. با برداشته شدن تحریم های تهران، درهای اقتصاد باز گردد و نیازی روز افزون به انرژی (از جمله انرژی هسته ای) به وجود آید. بنابراین، همکاری در این حیطه به سود تهران بود. چین می خواست عمده ترین بهره ور این نیاز از سر گرفته شده باشد. ایران به عنوان یکی از امضا کنندگان "پیمان منع گسترش جنگ افزارهای هسته ای" (ان پی تی)، بر طبق بند چهارم این پیمان، از حق استفاده صلح آمیز از برنامه انرژی هسته ای برخوردار شد. و از طرف دیگر، پکن با این که توافق هسته ای از حق ایران برای استفاده صلح آمیز از انرژی هسته ای حمایت نماید، موافق است. بنابراین ایران به چین تمایل بیشتری پیدا کرد. این هم شاید به علت بدبینی ایران به قدرت های غربی در زمانی بود که می خواست برای همکاری در برنامه هسته ای، شرکای خود را انتخاب نماید. چین به ظرفیت زیادی که بازار انرژی هسته ای در غرب آسیا می تواند فراهم کند، پی برده بود. بنابراین همکاری ایران و چین در حیطه هسته ای و در موضوع استفاده صلح آمیز به نظر می رسد با موفقیت های روز افزون همراه باشد. چین ایران را میدانی بزرگ برای فرصت های سرمایه گذاری می داند (قوشال، ۲۰۱۶). همین سیاست باعث گردید ایران رضایت نسبی را کسب کند و بعد حصول توافق، دو کشور تمایل خود را به همکاری های مختلف در حیطه های گوناگون اعلام نمودند. مانند نشست محمد جواد ظریف وزیر امور خارجه ایران با وانگ یی همتای خود در مرحله ی پسابرجام، ظریف تأکید داشت که با برداشته شدن تحریم ها، شرکت های چینی شانس بیشتری برای همکاری با ایران خواهند داشت (خبرگزاری مشرق، ۱۳۹۴/۶/۲۴). در مجموع چینی ها از توافق هسته ای حاصل شده استقبال کرده و آن را عامل صلح و ثبات و تقویت سیستم منع گسترش سلاح های اتمی می دانند

چین و تحریم های بین المللی :

غرب حجم گسترده ای تحریم را از سال ۱۳۸۴ تا اوایل سال ۱۳۹۲ در مورد موضوع هسته ای بر ایران تحمیل نمود افزون بر نمایان ساختن سلطه جویی غرب برای جلوگیری از دستیابی ملت ایران به حقوق مسلم بین المللی تا حد زیادی برآمده از رویکرد غیرسازنده دولت پیشین بود. بنابراین حجم گسترده ای از تحریم ها همراه با پیامدهای ویرانگر آن میراثی بود که به دولت یازدهم رسید. با توافق



ژنو هر چند اعضای ۵+۱ تعهد کردند براساس این توافق هیچ تحریمی علیه ایران در ارتباط با برنامه هسته ای وضع نگردد اما از طرف کشورهای غربی اقدام هایی انجام شد که نه نقض پیمان بلکه منافای روح توافق و تفاهم بودند.

با تصویب برجام تقریباً تحریم های بین المللی بر علیه ایران در حال برداشته شدن بود اما در این میان جمهوری خلق چین تنها کشوری بود که جمهوری اسلامی ایران را در سال های سخت تحریم ها، مذاکرات هسته ای برای لغو تحریم ها تنها نگذاشت و همکاری های قابل ملاحظه ای با ایران خصوصاً در حیطه اقتصاد داشت که این باعث گردید تا روابط دو کشور بعد از اجرایی شدن برجام از روند مثبت و پایداری بهره مند گردد و اعتماد سیاسی متقابل میان دو کشور تقویت گردد (اختیاری و صالحی، ۱۳۹۵) مانند وفاداری چین در دوران تحریم که با وجود برخی کوتاهی ها در صنعت نفت ایران، جای پای این کشور در میدان های غرب کارون، که از مهم ترین میدان های مشترک نفتی کشور بود، محکم گردد و همکاری بین دو کشور در فاز دوم این میداين تداوم یابد (قاسمی، ۱۳۹۵) وفاداری چین در دوران تحریم ها بود که باعث اشتیاق ایران به حفظ روابط با این کشور در پساتحریم داشته باشد. در این مورد می توان به سخنان رهبر معظم انقلاب استناد نمود که بیان نمودند: "ایران هیچ گاه همکاری های چین در دوران تحریم را فراموش نخواهد کرد و ما همواره به دنبال گسترش روابط با کشورهای مستقل و قابل اطمینان همچون چین بوده و هستیم و بر همین اساس، توافق روسای جمهور ایران و چین برای یک روابط استراتژیک ۲۵ ساله، کاملاً درست و حکمت آمیز است" (دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله العظمی خامنه ای، ۱/۱/۱۳۹۴). در همین چارچوب، می توان استدلال کرد که سفر آقای پینگ به تهران پس از ۱۴ سال و امضای اسناد مختلف، نتیجه همکاری هایی است که طی سال های متمادی خصوصاً در دوران تحریم ها بین تهران و پکن استمرار داشته و باعث گردیده چین به عنوان اولین شریک تجاری ایران تلقی گردد (زارعی، ۱۳۹۴). این موضوع در حالی بود که بسیاری از قراردادهای ایران و کشورهای غربی در حد پیش نویس باقی مانده و قطعی نشده بود.

روابط اقتصادی ایران و چین در دولت یازدهم :

قبل از رفع کامل تحریم ها، روابط چین با ایران تحت تاثیر کاهش روابط با غرب و مختص به حیطه انرژی بود. طوری که چین بیش از نیمی از نفت ایران را خریداری می کرد و اولین مصرف کننده نفت صادراتی ایران بود (ظهیری نژاد، ۱۳۹۴). لغو تحریم های بین المللی و بررسی شرایط حاکم بر اقتصاد دو کشور مانند کاهش نرخ رشد اقتصادی چین، مسئله امنیت انرژی برای چین، نیاز ایران به جذب سرمایه های خارجی (در حیطه صنعت نفت، افزایش تولید نفت و استفاده از تکنولوژی در صنایع اقتصادی) و بازگشت نفت ایران به بازار انرژی (رضایی، ۱۳۹۴) همکاری های اقتصادی تهران و پکن در دوره پساتحریم بازنگری و گسترش یافت. بنابراین، در دوره ی پسابرجام با توجه به الزاماتی که در بخش اقتصادی دو کشور وجود داشت، تهران و پکن تلاش نمودند تا در حیطه اقتصادی مناسبات خود را افزایش بدهند تا بدین طریق نیازهای اقتصادی خود را مرتفع نمایند (اختیاری و صالحی، ۱۳۹۶). صادرات و واردات کالا: در این دوره با عملیاتی شدن برجام جهت گیری بازارهای صادراتی کشور تغییر نمود و تحولات مثبتی در تجارت خارجی جمهوری اسلامی ایران رخ داد. با گذشت زمان و رفع برخی از محدودیت های رسمی و غیر رسمی تجارت خارجی در سطوح داخلی و خارجی و افزایش تعاملات و مراودات اقتصادی ایران با کشورهای مختلف، ثمرات ملموس تری از توافق برجام در عرصه تجارت خارجی نصیب کشور گردید. بنابراین رشد اقتصادی به کشور بازگشت. اما چین در سال های گذشته پیوسته در حال افزایش حجم تجارت خود با ایالات متحده بوده و تا پایان دوره یازدهم دولت های جمهوری اسلامی ایران، مبادلات تجاری چین و آمریکا نزدیک به ششصد میلیارد دلار رسید. در واقع همین قفل شدن اقتصاد چین با آمریکا زمینه ساز رشد پرشتاب اقتصادی چین بود. اما در آن زمان، سهم ما از تجارت جهانی ۱/۳۵ درصد بود که بدون در نظر گرفتن نفت، وضعیت به مراتب تاسف بارتر شد و به رقم ۱/۲۴ درصد کاهش یافت (اقتصاد نیوز، ۱۳۹۶/۵/۱). از طرف دیگر، مراودات اقتصادی ایران و چین به طور پیوسته رو به رشد بود و در جریان سفر رئیس جمهور چین به ایران که در بهمن ماه سال ۱۳۹۴ رخ داد، از سوی طرفین برنامه ۲۵ ساله ای اعلام گردید که در چهارچوب آن قرار است که حجم روابط دو کشور تا ششصد میلیارد دلار افزایش یابد (خبرگزاری ایرنا، ۱۳۹۴/۱۱/۳). علاوه بر صادرات می توان به واردات کشور اشاره نمود که قبل و بعد از



اجرای برجام تغییرات محسوسی را پیموده به طوری که واردات ایران قبل از اجرای برجام به طور محسوسی در اختیار چین بود اما با اجرای برجام این روند تغییر پیدا نمود و اتحادیه اروپا توانست جایگاه خود را در صادرات به ایران ارتقا بخشد.

روابط امنیتی ایران و چین در دولت یازدهم :

پس از روی کار آمدن روحانی و موفقیت مذاکرات هسته ای، با وجود محافظه کاری در سیاست های چین، مقامات این کشور تصمیم گرفتند روابط نظامی و دفاعی خود با ایران را احیا نمایند. در ۱۵ اکتبر ۲۰۱۵ سرلشکر فیروزآبادی - رئیس وقت ستاد کل نیروهای مسلح ایران - در تهران میزبان دریاسالار "سان جیانگو" - جانشین رئیس ستاد کل ارتش جمهوری خلق چین - بود و دو طرف یک تفاهم نامه نظامی امضا کردند. پیش نویس این تفاهم نامه در حیطه های دفاعی، آموزشی، فنی، اطلاعاتی، سایبری و مبارزه با تروریسم بود (رضایی و وثوقی، ۱۳۹۶: ۱۱۱). همچنین در سال ۲۰۱۴، حسین دهقان - وزیر دفاع جمهوری اسلامی ایران - به چین سفر کرد و با تعدادی از مقامات سیاسی - نظامی این کشور دیدار کرد. در همین ارتباط "چانگ وانگوان"، وزیر دفاع چین بیان نمود که کشورش خواستار همکاری های نظامی نزدیک تر با ایران است (رویترز، ۲۰۱۴/۵/۵). همچنین در سپتامبر همان سال، برای اولین بار دو ناوشکن چینی "چانگچون" و ناوشکن "شانگزو" به مدت چهار روز وارد بندرعباس شدند و به تمرین های مشترک نظامی با ایران پرداختند. (LaGrone, 2014) این اولین حضور کشتی های نظامی چین در بندری از ایران از زمان پیروزی انقلاب اسلامی بوده است. از طرفی، در اکتبر ۲۰۱۴، حبیب الله سیاری - فرمانده نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران - برای نخستین بار و به دعوت فرمانده نیروی دریایی ارتش خلق چین "وو شنگلی" به طور رسمی از چین دیدار و گفتگوهای مهمی را در خصوص مسائل امنیت دریایی، مبارزه با دزدی دریایی در شاخ آفریقا و خلیج عدن و همکاری های نظامی و فنی در قلمرو دریایی انجام دادند.

خروج ایران از فصل هفتم شورای امنیت باعث گردید مناسبات آن ها تا حدودی مشروعیت بین المللی پیدا کند (singh, 2014). همچنین سفر وزیر دفاع چین به ایران در ۲۰۱۶، تفاهم نامه نظامی اکتبر ۲۰۱۵م در ایران را به موافقتنامه نظامی تبدیل نمود. در ادامه همین روند، در ۲۵ خرداد ۱۳۹۶ برای دومین بار، یک ناوگروه چینی در منطقه یکم نیروی دریایی ارتش در بندرعباس پهلو گرفت که این ناو گروه شامل دو ناو جنگی "چانگچون" و "شانگزو" و همچنین یک شناور پشتیبانی با نام "هوچائو" بود. همچنین در اوت ۲۰۱۵م، اخباری مبنی بر تمایل ایران برای خرید ده ها فروند هواپیماهای جنگنده از نوع Chengdu ۱۰ - در قالب قراردادی میلیارد دلاری مطرح گردید (Ermito, 2015). محقق شدن این همکاری به این معنا بود که ایران قادر خواهد بود برخی از نیازمندی های تسلیحاتی خود مانند جت های جنگنده و سامانه های دفاع هوایی که به شدت فرسوده و از کارایی اندکی برخوردارند را تأمین و در مقابل خریدهای کلان نظامی کشورهای خلیج فارس موازنه ای ایجاد نماید. سفر ۱۳۹۴ - ۲۰۱۵ امیر سرتیپ خلبان حسن شاه صفی - فرمانده نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی - به چین و دیدار با "ما ژیاوتیان" - فرمانده نیروی هوایی این کشور - در همین راستا بود. در پی این ملاقات، ژیاوتیان بیان نمود که چین خواهان افزایش همکاری با نیروی هوایی ایران می باشد. در این مورد فرمانده نیروی هوایی ایران علاوه بر بازدید از شرکت "کاتیک" از شرکت های زیر مجموعه سازمان هوافضای چین و شرکت "نریت" فعال در حوزه الکترونیک هوایی و همچنین مرکز کنترل و دفاع هوایی در شهر پکن بازدید نمود. در مجموع، چین دارای بزرگ ترین ارتش جهان از نظر تعداد نیروی حرفه ای (دو میلیون و سیصد هزار نفر) می باشد (fire Global power, 2016) و ظرف یک دهه اخیر به خاطر صرف هزینه و فعالیت اش در جهت نوسازی نظامی و گسترش توانمندی های نیروهای متعارف و غیرمتعارف خود، هم به لحاظ آرایش زمینی، توان دریایی، قابلیت های هوایی و برنامه موشکی و سایبری، توجه فزاینده ای را در عرصه جهانی به خود جلب کرده که از این رو گسترش فعالیت های نظامی و امنیتی ایران و چین می تواند در آینده مهم باشد.

واردات سلاح:

در دوره زمانی ۱۹۹۴-۲۰۱۸ مخارج نظامی ایران در سال ۲۰۰۶ به اوج خود رسید، پس از آن میان سال های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۴ به میزان ۳۰ درصد کاهش یافت. شدیدترین کاهش در سال ۲۰۱۲-۱۳ بود یعنی پس از آنکه اتحادیه اروپا تحریم های مالی و اقتصادی را علیه



ایران وضع کرد. این تحریم ها و برخی از مجازات های اعمال شده بوسیله ایالات متحده در سال ۲۰۱۵ به واسطه تصویب برجام برداشته شد که این به سود اقتصاد ایران بود. مخارج نظامی ایران متعاقباً از سال ۲۰۱۵ افزایش (wezman and kuimova, 2019) است یافت میزان واردات اسلحه ایران بین سال های ۱۹۹۴ و ۲۰۱۸ به میزان قابل توجهی کاهش یافت. حجم واردات اسلحه ایران در این دوره در مقایسه با حجم وارداتی بوسیله بسیاری از کشورهای دیگر در خاورمیانه نسبتاً اندک بود. مانند، ارزش کل واردات اسلحه ایران در سال ۲۰۱۸-۲۰۰۹ معادل ۳.۵ درصد واردات تسلیحات عربستان سعودی در مدت مشابه بود. این تا حدودی با محدودیت های مربوط به بودجه و مشکلات اقتصادی ایران قابل توجیه می باشد. همچنین از سال ۲۰۱۰، قطعنامه های شورای امنیت سازمان ملل انتقال تسلیحات عمده به ایران را محدود کرد. این محدودیت ها تا پایان سال ۲۰۲۰ اجرا خواهند شد. این تنبیهات مجاز به معافیت در صادرات اسلحه خاص است. تحویل چهار سیستم پدافند هوایی اس-۳۰۰ بوسیله روسیه در سال ۲۰۱۶ اولین واردات مهم تسلیحات مهم ایران از سال ۲۰۰۷ بود. در حالی که سایر کشورهای منطقه خلیج فارس از کشورهای مختلفی اسلحه تهیه می کنند، ۹۶ درصد واردات ایران در سال ۲۰۱۸-۲۰۱۴ از روسیه و بقیه از چین بودند. ایران توانایی توسعه و تولید انواع خاصی از تسلیحات اصلی از جمله موشک های بالستیک، موشک های کروز و هواپیماهای بدون سرنشین را دارد. این تا حدی محدودیت های واردات اسلحه را جبران می کند. با این حال، سطح عملکرد این اسلحه ها و سایر سلاح های تولید شده یا ارتقا یافته توسط ایران زیر سوال رفت.

با حصول برجام خرید هواپیماهای جنگی، ارتقاء توان موشک های بالستیک، سیستم های دفاع هوایی و قطعات مورد استفاده در آنان، مهم ترین اولویت های ایران را برای ایجاد موازنه با کشورهای منطقه تشکیل داد و همچنین چین روی منافع اقتصادی و ملاحظات چانه زنی استراتژیک آن با غرب و کشورهای عرب حساب ویژه ای باز کرد. با وجود این، برخلاف انتظارات، روابط ایران و چین به ویژه پس از برجام به شدت شکننده بود و به کندی پیش رفت. پس از برجام، جمهوری اسلامی ایران و چین بوسیله دیپلماسی دفاعی و امنیتی توانستند در جهت پیوندهای سودمند متقابل برای ثبات بین المللی و منطقه ای گام بردارند. در مجموع، می توان بیان نمود که امضای برجام، با وجود حفظ تحریم های بین المللی تسلیحات تهاجمی قبلی، همکاری نظامی-فنی با ایران را در حیطه تسلیحات دفاعی در نظر می گیرد. واردات سلاح از چین در دولت یازدهم کم شد و جای خود را به کشور روسیه داد. فضای پس از توافق هسته ای صرفاً تضمین این امر نمی باشد که در کوتاه مدت و میان مدت، سطح مناسبات نظامی دو کشور به مرحله ای برسد که بتوانند نگاه مشترکی به عرصه جهانی داشته باشند، بلکه فضای پسارجام، متضمن ایجاد نظمی جدید در روابط نظامی دو کشور بود که در پرتو مجموعه ای از فرصتها و توافقات در این قلمرو، این بستر را مهیا نمایند که مناسبات نظامی با این کشور در آینده در صورت تنش زدایی ایران با غرب بهبود یابد (رضایی و وثوقی، ۱۳۹۵).

نهادهای بین المللی :

دولت یازدهم با پیگیری سیاست های مسالمت آمیز خود توانست با کشورهای منطقه رابطه خود را بهبود بخشد و مشارکت خود را در نهادهای منطقه ای بیشتر کند یکی از این سازمان ها، شانگهای می باشد

سازمان همکاری شانگهای:

چین و ایران هر دو به تضعیف نظم بین المللی موجود به رهبری آمریکا اعتقاد دارند. بنابراین چین نهادهای امنیتی و اقتصادی منطقه ای ایجاد کرد که با نهادهای تحت تسلط آمریکا و متحدانش رقابت می کنند، و ایران هم مایل است در آن ها فعالانه مشارکت و عضویت داشته باشد. "سازمان همکاری های شانگهای" یکی از مهم ترین این نهادها می باشد. ایران که به همراه هند و پاکستان در سال ۱۳۸۴ به عنوان ناظر به سازمان شانگهای وارد شدند و در همان سال درخواست آمریکا برای کسب همین جایگاه پذیرفته نشد. در سالهای پس از آن، ایران بدون تردید فعال ترین کشور ناظر در سازمان بود و در برنامه های آن از همایش جوانان و نشست های انرژی و مبارزه با تروریسم تا جلسات روسای جمهور مشارکت پویایی داشت و با دریافت نشانه هایی مثبت از درون سازمان، در سال ۱۳۸۷ درخواست کسب عضویت کامل را به دبیرخانه سازمان فرستاد. در دولت نهم و دهم، رئیس جمهور وقت در تمام نشست های سران به جز اجلاس



۱۳۸۹ تلاش کند که در آن سند منع عضویت کشورهای تحت تحریم به تصویب رسید، شرکت کرده بود اما مشارکت سازنده ایران به نتیجه ای نرسید و سازمان با توسل به بحث تحریم ها، درخواست ایران را بررسی نکرد (کرایبی، ۱۳۹۶/۸/۱۵). با شروع دولت یازدهم، تعامل با شانگهای نظم بیشتری یافت تا مشارکت یک طرفه ایران و اعتبار بخشی به برنامه های آن بدون پاسخ نماند. روحانی در نشست سران در سال ۹۲ در دوشنبه تاجیکستان شرکت نمود و عزم ایران برای آغاز دوره ای جدید از همکاری های متقابلاً سودمند منطقه ای را اعلام نمود. برطبق راهبرد جدید، مشارکت ایران در نشست های سازمان باید متناسب با پیشبرد بحث عضویت و رویکرد اعضا به جایگاه منطقه ای ایران تنظیم می شد. درحقیقت براساس فضای مثبت حول ایران در دوران مذاکرات هسته ای و امیدها برای بهبود روابط ایران و غرب، لحن صحبت مقامات عالی دولت های عضو شانگهای که تا پیش از آن مبهم بود، بطور محسوسی تغییر کرد و از همکاری بیشتر ایران در سازوکارهای منطقه ای از جمله شانگهای استقبال شد. بنابراین پس از حضور روحانی در نشست روسای جمهور سازمان در سال ۹۳ در بیشکک، ایران بار دیگر درخواست عضویت را به دبیرخانه سازمان در پکن فرستاد (خبرگزاری تابناک، ۱۳۹۶/۸/۱۶). زمانی که مذاکرات هسته ای به برجام رسید و تحریم های شورای امنیت لغو گردید، بهانه سازمان برای عدم بررسی درخواست ایران نیز از میان رفت و همزمان برخی سران کشورهای اصلی مانند روسیه و قزاقستان از عضویت ایران صراحتاً حمایت نمودند و در بنیانه مشترک روسای جمهور ایران و چین به هنگام سفر شیجینپینگ به تهران (بهمن ۹۴) طرف چینی بر حمایت از عضویت ایران تاکید کرد. بنابراین اظهارات صریح مقامات روسی از این امر حکایت داشته است (Sputnik, 2015). با این همه هنوز در سازمان اجماعی بر سر جزئیات و زمان آغاز فرایند عضویت ایران شکل نگرفته بود تا جایی که حسن روحانی در سال ۹۴ به اوافا در روسیه رفت ولی فقط در اجلاس بریکس شرکت نمود و زمانی که مشخص شد قرار نیست در بحث عضویت ایران تحولی رخ دهد، بدون شرکت در نشست سران شانگهای به تهران بازگشت (کرایبی، ۱۳۹۶/۵/۱۸). اجلاس بعدی سران در تاشکند (۹۵) و آستانه (۹۶) به جز تعارفات دیپلماتیک، عزمی جدی برای قبول درخواست ایران مشاهده نشد و همچنین سطح مشارکت ایران به وزیر خارجه تقلیل یافت این در حالی بود که روند عضویت هند و پاکستان که از اوافا شروع شده بود با تصویب اسناد پایه ای سازمان از طرف این دو کشور، در آستانه به پایان رسید و آنان رسماً به سازمان ملحق گردیدند. در این سالها سازمان دلایل مختلفی را برای تعویق بررسی عضویت ایران مطرح کرده است، از تحریم های سازمان ملل تا مخالفت برخی اعضای کوچک مانند ازبکستان و تاجیکستان و این اواخر لزوم به پایان بردن روند عضویت هند و پاکستان و سپس بررسی موضوع ایران، لیکن کمتر طرفی به تاثیر ملاحظات روابط با غرب بر بحث عضویت ایران اشاره میکند

همکاری منطقه ای ایران و چین :

امنیت در افغانستان به عنوان همسایه مشترک دو کشور، تحولات خاورمیانه و مبارزه با افراط گرایی و گروه های تروریستی دیگر موضوعات مشترکی است که ایران و چین در آن دارای منافع مشترک امنیتی و نیاز متقابل به یکدیگر برای دست یابی به راه حلی همه جانبه و پایدار هستند. الگوی حداقلی همکاری دو کشور در موضوع سوریه نیز توانست نزدیکی دیدگاه طرفین و وجود زمینه های متنوع همکاری امنیتی در تحولات منطقه ای را ارتقا دهد (رضایی و وثوقی، ۱۳۹۶). در حقیقت نقش آفرینی چین و همکاری با ایران در مبارزه با نیروهای افراطی را می توان از منظر سیاسی، اقتصادی و امنیتی مورد بررسی قرار داد. بدین گونه که از لحاظ اقتصادی چین به امنیت انرژی در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه برای ادامه روند رو به رشد خود نیاز دارد، به لحاظ سیاسی نیز مخالف نظام تک قطبی و مستحکم شدن نظام مورد نظر آمریکا است و از لحاظ امنیت نیز نگران گسترش گروه های تروریستی به استان سین کیانگ چین است (صبوری نژاد، ۱۳۹۳). بر همین مبنا، این کشور در قصد دارد تا با مرآوده نظامی بیشتر با ایران، این کشور را در این امر یاری کند. همزمان نیز، ایران بعد از تجربه سال ها تحریم، در صدد استفاده بهینه از این مناسبات نظامی است. مرآوده ای که برای چین امنیت منطقه ای و بازار فروش سامانه های نظامی، و برای ایران تسهیل روند نیل به اهداف امنیتی در منطقه، حفظ صلح و ثبات در محیط پیرامونی و تجهیز سامانه های نظامی را در پی خواهد داشت (محرابی، ۱۳۹۴). در ادامه این روند و در راستای مقابله با افراط گرایی و تروریسم، دو کشور مصوبه ی سازمان ملل متحد با عنوان جهان عاری از خشونت و افراطی گری (WAVE) را، که به پیشنهاد روحانی



به تصویب رسید، چارچوب مناسبی برای دستیابی به این مهم می دانند (روزنامه اطلاعات، ۱۳۹۴/۱۱/۴) و برای رسیدن به این مهم با یکدیگر همکاری می کنند

بحث و نتیجه گیری

در این پژوهش همان گونه که بررسی شد، به متغیرهای سیاسی، اقتصادی و امنیتی روابط ایران و چین در دولت یازدهم اختصاص یافته است. متغیرهای سیاسی که در این دوره بررسی شد بیان می کنند روابط طرفین بهبود یافته است زیرا هر دو شخصیت رئیس جمهوری تفکراتی شبیه یکدیگر دارند. در این دوره با شکل گیری توافق هسته ای برجام، روابط ایران با غرب بهبود یافت و تحریم های بین المللی علیه ایران لغو شد. لغو تحریم و از سرگیری روابط بانکی ایران با سایر کشورها باعث شد که مبادلات تجاری ایران و چین هم گسترش پیدا کند و قراردادهای جدیدی میان آنها شکل گیرد. همچنین در روابط امنیتی و دیدار سران نظامی دو کشور بیشتر شد به طوری کشتی نظامی چینی چندین بار به خلیج فارس آمدند و دو کشور در زمینه مبارزه با تروریسم و افراط گرایی هم همکاری هایی در این دوران داشتند. چارچوب نظری به کار گرفته در این فصل نمایان گر این بود بهبود روابط با غرب سبب شد چین روابط خود را با ایران بهبود ببخشد و همکاری بین دو کشور موازی با رابطه ایران و غرب پیش برود.

منابع

اختیاری امیری، رضا، صالحی خنار، محبوبه ۱۳۹۶. بررسی علل و زمینه های گسترش روابط ایران و چین در عصر پسابرجام. دو فصلنامه سیاست و روابط بین الملل، (۱)، ۵۱-۳۳.

اختیاری امیری، رضا، صالحی خنار، محبوبه ۱۳۹۶. بررسی علل و زمینه های گسترش روابط ایران و چین در عصر پسابرجام. دو فصلنامه سیاست و روابط بین الملل، (۱)، ۵۱-۳۳.

ارغوانی پیر سالمی، فریبرز ۱۳۹۴. روابط ایران و چین در دوره احمدی نژاد: سیاست نگاه به شرق و تاثیرات ساختاری، مطالعات روابط بین الملل، دوره ۸، صص ۴۱-۹

اقتصادنیوز ۱۳۹۶/۵/۱. سهم ایران از تجارت جهانی چقدر است؟، بازیابی شده از <https://www.eghtesadnews.com/176637/67> :

امام جمعه زاده، سیدجواد، نساجی، سمیرا ۱۳۹۲. سیاست خارجی نسل پنج رهبری جمهوری خلق چین نسبت به جمهوری اسلامی ایران، دانش سیاسی، سال نهم، شماره ۲

خامنه ای، سید علی ۱۳۹۴/۸/۱۳. چرا مذاکره با آمریکا مضر است؟، وب سایت دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله العظمی خامنه ای، بازیابی شده از : <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=31324>

خبرگزاری تابناک ۱۳۹۲/۶/۲۷. اعلام محتوای نامه اوباما به روحانی از سوی کاخ سفید، بازیابی شده از : <https://www.tabnak.ir/fa/news/345817>

خبرگزاری مشرق ۱۳۹۴/۱۱/۲۳. سپاه پاسداران ۱۱ نظامی آمریکایی را در خلیج فارس بازداشت کرد»، بازیابی شده از Mshrgh.ir/521720 :

رسولی ثانی آبادی، الهام و سید محسن میرحسینی ۱۳۹۴. بررسی عوامل شکل دهنده به سیاست هسته ای دولت اعتدال بر اساس نظریه پیوستگی جیمز روزنا، فصلنامه راهبرد، ۷۴ (۲۴)، ۲۵۰-۲۳۵.

رضایی، علیرضا، و ترابی، قاسم ۱۳۹۲. سیاست خارجی حسن روحانی، تعامل سازنده در چارچوب دولت توسعه گرا. فصلنامه تحقیقات سیاسی بین الملل، ۱۵، ۱۶۱-۱۳۱



رضایی، مسعود ۱۳۹۴. تاثیر توافق هسته ای بر روابط ایران و چین. در کتاب چشم انداز روابط ایران و چین، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر

رضایی، مسعود، و وثوقی، سعید ۱۳۹۶. سنجش روابط دفاعی ایران و چین در دوره ریاست جمهوری روحانی. فصلنامه مطالعات راهبردی و سیاست گذاری عمومی، ۷(۲۴)، ۴۷-۲۳.

روحانی، حسن ۱۳۹۲. امنیت ملی و دیپلماسی هسته ای. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.

روزنامه اطلاعات ۱۳۹۴/۱۱/۴. تحول در روابط ایران و چین با امضای ۱۷ سند همکاری، بازیابی شده از : www.ettelaat.com/etiran/?p=1799552

روزنامه کیهان ۱۳۹۳/۲/۳۱. برای شرکت در اجلاس سیکا، روحانی عازم چین شد، بازیابی شده از : <https://www.magiran.com/article/2955209>

زارعی، اصغر ۱۳۹۴/۱۱/۳. چشم بادامی های وفادار در تهران، سرویس سیاسی خبرگزاری شبستان، بازیابی شده از : Shabestan.ir/mobile/detail/news/517121

شریعتی نیا، محسن ۱۳۹۱. عوامل تعیین کننده روابط ایران و چین، روابط خارجی، سال چهارم، شماره ۲

صبوری نژاد، احمد ۱۳۹۳. واکاوی نقش استراتژیک چین در بحران های اخیر، پایگاه خبری صاحب نیوز، بازیابی شده از : <http://sahebnews.ir/143707>

ظہیری نژاد، مہناز ۱۳۹۴. جایگاه انرژی در روابط ایران و چین، کتاب آسیا، ویژه روابط ایران و چین، تهران: انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر

عابدینی، حسن، و ایزدی، جهانبخش ۱۳۹۶. نقش متغیرهای داخلی بر سیاست گذاری هسته ای دولت یازدهم، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست گذاری عمومی، ۷(۲۵)، ۲۸۹-۲۷۱

عزیزی، حمید رضا ۱۳۹۲/۶/۴. دولت یازدهم و چشم انداز سیاست نگاه به شرق، خبرگزاری تابناک، بازیابی شده از : <https://www.tabnak.ir/fa/news/340907>

عسگریان، محسن ۱۳۹۲/۶/۳۱. راهبرد نگاه به شرق در سیاست خارجی ایران و کارت بازی روسیه در چین، وب سایت محسن عسگریان، بازیابی شده از : <http://mohsenasgarian.blogfa.com/post/65>

قاسم، تقوایی پور، سردار، حمید ۱۳۹۰. بررسی موانع گسترش روابط ایران و چین؛ با تاکید بر سطح تحلیلی داخلی، پایگاه مجلات تخصصی نور، صص ۱۸۸-۱۶۵

قاسمی، مصطفی ۱۳۸۸. تعاملات چین و روسیه با آمریکا و تأثیر آن بر پرونده هسته ای ایران. دوفصلنامه علمی انسان پژوهی دینی، ۶(۱۹)، ۱۱۴-۸۹.

قوشال، دیالینا ۲۰۱۶/۵/۳۰. فرصت های هسته ای چین در ایران»، ترجمه سایت رسانه های دیجیتال رضوی، مجله گلوبالیست، بازیابی شده از : <https://dmf.farhang.gov.ir/fa/article/9800>

کرابی، حسن ۱۳۹۶/۸/۱۵. عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای و عامل غربی، خبرگزاری تابناک، بازیابی شده از : <https://www.tabnak.ir/fa/news/744950>

محرابی، مانی ۱۳۹۴. تاثیر برجام بر روابط ایران با ترکیه، چین، روسیه و آمریکا، خبر آنلاین، بازیابی شده از :
www.khabaronline.ir/detail/512258/world/diplomacy

نیک بخش، محمد ۱۳۹۷/۱۱/۱۷. چین؛ شریک راهبردی ایران در دوران پساجرام، خبرگزاری ایسنا، بازیابی شده از :
<https://www.isna.ir/news/97111709287/>

Ermito, Daniele(2015), "Strengthening partnership between China and Iran", Global,Risk,Insights.August27,available,at
<http://globalriskinsights.com/2015/08/strengthening-partnership-betweenchina-and-iran/>

Global Firepower (2016), "Current Military Capabilities and available firepower for 2016 Detailed, China Military Strength. Available at: http://www.globalfirepower.com/country-military-strength-detail.asp?country_id=china

Singh, Michael(2014), "China's Military Presence in the Persian Gulf", Wall Street,Journal,Sep26.Available,at:
<http://blogs.wsj.com/washwire/2014/09/26/chinese-military-persence-in-thegulf/>

Sputnik News (2015/6/3), "Iran's Nuclear Program amid Western Sanctions", available, at:
<http://sputniknews.com/politics/20150603/1022905361.html>.

Wezeman, Pieter and Alexandra Kuimova (2019), "Military Spending And Arms Imports By Iran, Saudi Arabia, Qatar, And The UAE", Lobe Log. Available at: <https://lobelog.com/military-spending-and-arms-imports-by-iransaudi-arabia-qatar-and-the-uae/>

Relations between Iran and China in the 11th government

Masoume Alianpour

**Master's student, Department of Political Science,
Salami Azad University, South Tehran Branch**

1-1-

1-2- Abstract

The evolution of China's relations at the level of the international system has been a complex process. Since the formation of the People's Republic of China, the leaders of this country have revised their relations with mixed countries at the level of the international system. In the process of historical transformation of its relations with the international system, China has changed its role from a revolutionary and alien state to an active and finally constructive participant country. This innovation enabled the Chinese government to direct diplomatic efforts in a new direction, with the aim of China's emergence as a great power in harmony with the international system; Therefore, it is looking for more areas to expand its sphere of influence in the world and communicates with all governments, regardless of their political system. One of the important regions for China is the Middle East and the Persian Gulf, and in the meantime, Iran has a special position for this country. The relations between Iran and China are the main focus of the changes that are currently taking place. Cooperation between these two countries is not new and has been expanding ever since the Iran-Iraq war (1980-1988). The research method in this article is descriptive-analytical and an attempt is made to investigate the relations between Iran and China in the 11th government

1-3- Keywords: Iran, China, foreign policy